

شهرزاد

هفته‌نامه مجازی

شماره هشتم - جمعه ۲۷ مرداد ۱۳۹۶



جایزه رضا کیانیان برای شهرزادی‌ها

گفت‌وگو با عوامل: فریبا متخصص

شهرک سینمایی عشاق؛ به مناسبت سالروز تولد علی حاتمی

کامنت: متهم اصلی: قباد، فرهاد یا شهرزاد؟

هفته نامه مجازی شهرزاد

زیر نظر مسعود نجفی (مدیر روابط عمومی سریال شهرزاد)

سردبیر: سید محمد صادق لواسانی
تحریریه: سپیده حیدر آبادی، شراره داودی،
احمد رضا معراجی و پریرا چیـذری
باسپاس از محمد رضا نورمحمدیان، کبریا حسین زاده،
مسعود رفیع زاده و عرفان بهکار

طراح گرافیک: علی شکوری
عکس: نوشین جعفری
با همکاری محبوبه حاتمی
عکس جلد: محمد اسماعیلی

هفته نامه مجازی شهرزاد را هر جمعه از کانال تلگرامی و سایت سریال دریافت کنید.

درج مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

سوالات از عوامل سریال و همچنین نظرات خود را به آدرس تلگرامی @ShahrzadContact ارسال کنید

شهرزاد در فضای مجازی:

سایت رسمی: www.shahrzadseries.com

تماشای آنلاین و قانونی: www.lotusplay.ir

اینستاگرام: [instagram.com/shahrzadseries](https://www.instagram.com/shahrzadseries)

کانال تلگرام: <http://telegram.me/shahrzadseason2>



فهرست

- | | | | |
|----|--------------------------------|----|---|
| ۳ | یادداشت: محمد آفریده | ۴ | خبر |
| ۵ | بازتاب | ۶ | گزارش: جایزه رضا کیانیان برای شهرزادی ها |
| ۸ | گفت و گو با عوامل: فریبا متخصص | ۱۲ | فضای مجازی |
| ۱۴ | از نگاه منتقد: پیام مستوفی | ۱۶ | کامنت: متهم اصلی: قیاده، فرهاد یا شهرزاد؟ |
| ۱۸ | ذره بین: شهرک سینمایی عشاق | ۲۰ | عکس نوشت: قسمت هشتم |
| ۲۲ | مخاطب خاص: عکاسان | ۲۶ | باهالی رسانه: خبرنگاران سیاسی |
| ۲۸ | قاب آینده: قسمت نهم | | |

شهرزاد عرصه مظلوم فرهنگ را روانه خلاقیت کرد

محمد آفریده / تهیه‌کننده و مدیر فرهنگی

قصه‌ها همیشه اسرار آمیز هستند و این راز فطرت آدمی است که قصه‌ها را همواره شنیدنی و جذاب می‌کند. این میل تمام نشدنی بشر به داستان و قصه، زمینه‌ساز اصلی آثار هنری جهان بوده، هست و خواهد بود. هر چقدر قصه‌ها



اصیل‌تر و عمیق‌تر باشد، آثار جذاب‌تر و ماندگارتر است. موفقیت مجموعه «شهرزاد» را جدای از ساختار محکم، فیلمنامه خوب، عوامل حرفه‌ای و کارگردانی باهوش و کار بلد آن، باید در مجموعه شرایط روحی و فرهنگی جامعه جستجو کرد. نیاز جامعه سرزنده ایران با انواع مسائل و مشکلات، این حقیقت را به همه متولیان گوشزد می‌کند که باید تلاش کرد تا دیر نشده، عرصه مهجور و مظلوم فرهنگ را با اعتماد، آرامش و صبوری به سمت دریای خلاقیت‌های

متنوع هنرمندان آماده‌تر کرد. با ساختارها و دیدگاه‌های مرسوم حوزه‌های موجود فرهنگی خیلی نمی‌شود امیدوار به جریان‌سازی مجموعه‌های تولیدی بود. من مطمئن هستم اگر هنرمندان ما در یک شرایط عادلانه، متناسب و خلاقانه حمایت شوند، تحولی در محصولات فرهنگی ما ایجاد شده و ایران اسلامی می‌تواند نه تنها در منطقه خود، بلکه در دنیا محصولات خود را عرضه کند.

سریال «شهرزاد» نشان داد که محصولات ایرانی اگر با کیفیت باشد، قابلیت رقابت با آثار خارجی را داراست. هنوز زود است نسبت به سری دوم مجموعه «شهرزاد» قضاوت کرد. امیدوارم مجموعه جدید همچنان گرم و با حرارت و با انرژی به پیش برود. آفت مجموعه‌سازی‌ها در ایران بیشتر به پشت صحنه آن‌ها بر می‌گردد. اگر پشت صحنه خوب، سرحال و صمیمی باشد، مطمئن باشید حاصل کار بهتر از گذشته خواهد بود. البته نباید این واقعیت را هم ندیده گرفت که در جامعه ما اگر حرکتی نتیجه داد و به قول معروف گرفت، حسادت‌ها و کینه‌ها تازه گل می‌کند. انشا... که شرایط برای همه فعالان صادق و خلاق مهیاتر شود.



شهرزاد
مجموعه‌های

۱) نظر معاون صنایع دستی کشور درباره «شهرزاد»

بهمن نامور مطلق، معاون صنایع دستی و هنرهای سنتی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در نشست، بر نقش موثر سریال «شهرزاد» در رونق بازار کسب و کار صنایع دستی در کشور تاکید کرده است. نامور مطلق در این باره گفته است: «کاری که سریال شهرزاد برای زیورآلات سنتی کرد، کمتر کسی می توانست انجام دهد. فروش زیورآلات سنتی بعد از بخش این سریال، به نوعی نماد اقتصاد مقاومتی است. استفاده از زیورآلات سنتی در شهرزاد باعث شد گردش مالی این رشته از صنایع دستی بسیار بالا رود.»

۲) آغاز به کار کمپین #حلال_بینیم

سریال «شهرزاد» به عنوان یک اثر پرمخاطب در شبکه نمایش خانگی و در راستای رسالت خود برای فرهنگ سازی رعایت حقوق مادی و معنوی هنرمندان، کمپین حلال بینیم را راه اندازی کرده است. «شهرزاد» در این کمپین، نیمی از هزینه های پرداخت شده توسط علاقمندان را در اختیار دو خیریه قرار می دهد و در واقع افراد را در ثواب این کار شریک می کند. مخاطبانی که به هر دلیل، شهرزاد را به صورت غیرقانونی دانلود کرده اند، می توانند هزینه آن را از طریق نرم افزار موبایلی "آپ" پرداخت کنند. دانلود و استفاده غیرقانونی از هر اثر هنری خلاف قانون و شرع است و حکم استفاده از محصول حرام را دارد.

۳) دو مسابقه برای شهرزادی ها

«شهرزاد» دو جایزه بزرگ برای «بامزه ترین ویدئو» و «بامزه ترین دابسمش» که بتواند رأی و لایک بالاتری را در اینستاگرام جمع کند، اختصاص می دهد.

در بخش بامزه ترین ویدئو: یک دیالوگ یا صحنه روان انتخاب کنید، به صورت طنز یا جدی اون رو تکی یا جمعی اجرا کنید، در اینستاگرام به اشتراک بذارید و هشتگ #شهرزاد رو بز نید و لایک بگیرید.

در بخش دابسمش: یک صحنه از شهرزاد رو انتخاب کنید، براش دیالوگ بنویسید و دابسمش کنید، در اینستاگرام به اشتراک بذارید، هشتگ #شهرزاد رو بز نید و لایک بگیرید.

- فرصت شرکت در این مسابقه ها، فقط تا پایان شهریورماه است و یک هیات داوران که اسامی آن ها اعلام می شود، آثار را داوری می کنند.
- جوایز هر بخش از این مسابقه، گوشی تلفن آیفون و وجه نقد است که هر بار از طریق کانال رسمی سریال در اینستاگرام اطلاع رسانی می شود.

(ورود به کانال رسمی سریال با کلیک بر روی این لینک: <https://t.me/shahrzadseries2>)



گفته بود و شایعه آن زمان درباره بروز اختلاف بین او و عوامل را رد کرد.

● در میان اخبار سریال هم در هفته گذشته، حضور رضا کیانیان و هومن برق‌نورد در رونمایی از قسمت هشتم سریال در پردیس سینمایی کورش، از پر بازدیدترین اخبار بود. این دو بازیگر، ضمن حضور در کنار علاقمندان به سریال، قسمت جدید را در کنار مردم تماشا کردند.

● همچنین مانند هر هفته، خبر نمایش قسمت جدید، بازتاب فراوانی در میان رسانه‌های رسمی مانند هنر آنلاین، ایپنا، میزان، برنا، هنر ایران، سوره سینما، آنا، شبستان، هنرنیوز، باشگاه خبرنگاران و کانال‌های تلگرامی داشت.

● کاور قسمت هشتم سریال که شامل عکسی از شهاب حسینی در نقش قباد دیوان سالار بود نیز در شبکه‌های مجازی بازتاب بسیار زیادی داشت.

● در هفته گذشته، روزنامه شهروند در گزارشی با عنوان «پیمودن راه نرفته...» به سریال شهروزاد پرداخت. این گزارش که به قلم امین فرج‌پور نوشته شده است، تلاش کرده به این سوال پاسخ دهد: چه چیزهایی سریال شهروزاد را شهروزاد کردند.

● روزنامه مردم سالاری نیز در یکی از شماره‌های هفته گذشته خود، قسمتی از صفحه را به عکس‌های قسمت جدید سریال شهروزاد اختصاص داده بود.

● همچنین ویدئوی گفت‌وگوی ابوالفضل پورعرب با آرش ظلی پور بازتاب فراوانی در شبکه‌های مجازی و سایت‌های خبری مانند خبر آنلاین و انصاف نیوز داشت. پورعرب که در فصل اول شهروزاد ایفای نقش کرده بود، در این گفت‌وگو از دلایل عدم حضور خود در قسمت‌های آتی سخن

از دلایل موفقیت شهروزاد تا گفت‌وگوی ابوالفضل پورعرب



همزمان با رونمایی از قسمت هشتم؛

رضا کیانیان برای تحلیل نقش شاپور در «شهرزاد» جایزه گذاشت

◀ احمد رضا معراجی

اکران مردمی هشتمین قسمت از فصل دوم شهرزاد، یکشنبه شب (۲۲ مردادماه) در پردیس سینمایی کورش برگزار شد و بازیگران در میان استقبال مخاطبان، به تماشای قسمت جدید نشستند.

رضا کیانیان و هومن برق نورد از یک ساعت پیش از شروع سانس اول در طبقه پنجم پردیس سینمایی کورش حضور داشتند و با علاقه‌مندان به سریال که برای تماشای قسمت هشتم این مجموعه بلیت تهیه کرده بودند، با یک شاخه گل عکس یادگاری گرفتند.

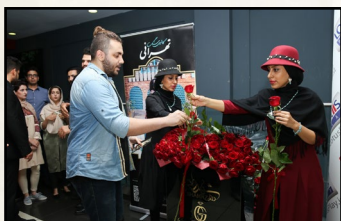


داشتیم؛ ابتدا اینکه در فصل اول در کنار علی نصیریان و در فصل دوم نیز در کنار رضا کیانیان هستیم. ● کیانیان نیز در ادامه سخنان برق نورد خاطر نشان کرد: سال‌ها پیش فکر می‌کردم نسل بازیگران از بین می‌رود، زیرا در همه جای دنیا بازیگران خوب در گروه‌های تئاتر پرورش می‌یابند. اوایل انقلاب گروه‌های تئاتر از هم پاشیدند و بازیگران پرورش یافته کمتری داشتیم. پس از آن در دوران آقای خاتمی، اتفاقی که خیلی مبارک بود و رخ داد این بود که دوباره گروه‌های تئاتر شکل گرفتند،

● در ادامه و در آغاز مراسم رونمایی، کیانیان با حضور روی سن از اینکه در کنار مردم قسمت هشتم سریال «شهرزاد» را می‌بیند، ابراز خوشحالی کرد و گفت: امیدوارم امشب در کنار شما شب خوبی باشد و این قسمت از «شهرزاد» راهم مثل قسمت‌های پیشین دوست داشته باشید.

● پس از آن هومن برق نورد نیز عنوان کرد: خیلی خوشحالم که قسمت هشتم سریال «شهرزاد» را با شما می‌بینم. من در این سریال، دو خوشبختی





رشد کردند و از دل آن گروه‌های تئاتر، بازیگران بسیاری خوبی بیرون آمدند که ماندگار خواهند بود؛ یکی از آنها هومن برق نور دست که در تئاتر، سینما و تلویزیون همیشه دلنشین بوده است.

وی ادامه داد: البته بخشی از این محبوبیت و موفقیت به خدا و بخشی از آن به کوشش خودش مربوط است. ● کیانیان در بخش دیگری از سخنانش، با اشاره به سوالاتی که درباره شیوه بازی او می شود، گفت: بارها از مردم شنیده‌ام که چرا برخی از صحنه‌ها را خیلی نمایشی و برخی از صحنه‌ها را به شدت درونی و حسی و به قول معروف خیلی زیرپوستی بازی می کنم که این امر این نشان از توجه آنها به نقش دارد. وی در ادامه، با بیان اینکه تاکنون پنج کتاب درباره بازیگری نوشته است، اظهار کرد: در حال حاضر ۶۶ سال سن دارم، پس کارم را بلدم و در نتیجه می دانم که چکار می کنم. آقای حسن فتحی هم کارگردان بسیار خوب و درجه یکی است و او هم این موارد را به خوبی می داند.

جایزه رضا کیانیان برای پاسخ به یک سوال

● بازیگر نقش شاپور در سریال شهزاد سپس مسابقه برای شهزادی‌ها طراحی کرد و گفت: می خواهم یک مسابقه بگذارم. سه جایزه هم برای آن در نظر گرفته‌ام؛ یک کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی و دو کارت هدیه ۲۵۰ هزار تومانی. هر فردی بتواند بگوید که چرا شخصیت شاپور در صحنه‌های مختلف تغییر می کند، چرا برای برخی افراد فیلم بازی می کند اما برای برخی دیگر فیلم بازی نمی کند، چرا رابطه‌اش با همسرش به این صورت است، در حالی که می داند همسرش او را دوست ندارد، جایزه می گیرد.

وی افزود: دلیل تمام رفتارهای شاپور در فصل سوم سریال مشخص خواهد شد. بنابراین تا پایان فصل دوم «شهزاد» اگر بتوانید این موارد را توضیح دهید و با اشاره به صحنه‌های سریال مثال بیاورید و دلیل رفتارهای شاپور را در آن صحنه‌ها بیان کنید و پاسخ‌های خود را برای سایت شهزاد ارسال کنید، بهترین نوشته‌ها این جوایز را دریافت خواهند کرد. می دانم که آقای امامی تهیه کننده سریال هم جوایزی را اضافه خواهند کرد.





گفت و گو با فریبا متخصص، بازیگر نقش مرضیه؛

یادمان رفته عاشق باشیم

◀ شراره داودی

شخصیت مرضیه در سریال «شهرزاد» برای بیشتر ما یادآور همه زنان ایرانی است که با اضطراب‌های مادرانه حواسشان را به زندگی‌شان داده‌اند که مبادا کسی آرامش محفل خانه و خانواده‌شان را به هم بریزد. شخصیتی که شاید زبر سایه در دسرهای فرهاد و حال و هوای پر رمز و راز هاشم، کمرنگ‌تر به نظرمان برسد؛ اما در هر حال، او مادر نگران خانواده دماوندی است که جنس نگرانی‌ها و ترس‌هایش می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار در واکنش‌های رفتاری این خانواده باشد.

«فریبا متخصص» بازیگر نقش مرضیه در سریال «شهرزاد» متولد سال ۱۳۴۰ است، هنرمندی که علاوه بر سیما، صدای آشنایی هم برای بسیاری از ماست. او در هشتمین شماره از هفته‌نامه شهرزاد، درباره ایفای نقش مرضیه در سریال «شهرزاد» سخن می‌گوید:



■ خودتان هم سریال را روزهای دوشنبه می بینید؟

من هم همان دوشنبه‌ها می بینم، اما دو هفته قبل که برای اکران مردمی رفته بودیم، توانستم یک روز زودتر و در سینما با مردم قسمت جدید را ببینم که تجربه جالبی بود. به هر حال وقتی سریال را در خلوت خودت می بینی حس دیگری دارد، ولی وقتی در کنار مردم هستی، واکنش‌های آن‌ها را هم از نزدیک می بینی. برای مثال در سکانسی که شخصیت مرضیه قرار بود با اصغری از بیمارستان برگردد، مردم در سالن می خندیدند! وقتی همراه مردم سریال را می بینی، به هر حال از حس آن‌ها انرژی می گیری.

■ به طور کلی نظرات مردم در شبکه‌های اجتماعی یا فضای مجازی را پیگیری می کنید؟

خیلی نه، چون کار وقت‌گیری است و من هم چندان فرصت نمی‌کنم. خودم هم خیلی فعالیت در این فضاهای مجازی ندارم و از طرفی گاهی نسبت به هنرمندان با بی‌انصافی حرف‌هایی را می‌نویسند؛ همان هنرمندی که برای مردم زحمت می‌کشد. گاهی حتی درباره چیزهایی مثل لباس و آرایش اظهار نظرهایی می‌کنند که اصلاً اصولی نیست؛ البته فکر می‌کنم این افراد نوجوان‌های ۱۴-۱۵ ساله‌ای

هستند که سرشان خلوت است و فرصت این را دارند که در فضای مجازی درباره چنین موضوعاتی صحبت کنند! در صورتی که مردم ما عمیق‌تر از آن هستند که بخواهند چنین رفتاری نشان دهند.

چون به هر حال هر سریال و هر مجموعه‌ای که ساخته می‌شود، پیامی دارد و می‌خواهد حرفی بزند تا اینکه به نکاتی مانند مژه مصنوعی دقت کنند! این نگاه‌ها خیلی سطحی است، داغ‌دغ‌های که در یک مجموعه وجود دارد، این صحبت‌ها نیست.

در موارد مشابه می‌بینیم که مردم با سریال‌هایی که ساخته می‌شود، زندگی می‌کنند و در آن‌ها غرق می‌شوند. البته نمی‌خواهم مقایسه کنم ولی مجموعه «شهرزاد» با توجه به آدم‌های حرفه‌ای و با تجربه‌ای که در آن حضور دارند، با هدف برای مخاطب ساخته شده و بهتر این است که مخاطب هم با این دید که بخواهد حرف سریال را بفهمد آن را ببیند، اینکه چقدر می‌تواند روی زندگی‌اش تأثیرگذار باشد. این طور نباشد که بعد از دیدن هر قسمت در فضای مجازی با یکدیگر سر موضوعات سطحی بحث کنند و حتی دعوایشان شود، چون فکر می‌کنم باید از این موضوعات و بحث‌ها بگذریم.

■ فکر می‌کنید چه چیزی در شهرزاد وجود دارد که هم خودتان را به آن جذب می‌کند



و هم اینکه توانسته جای خودش را در دل مردم باز کند و آن‌ها را برای تماشای آن مشتاق کند؟

می‌گویند کل موضوعاتی که برای فیلمسازی می‌توانیم از آن‌ها استفاده کنیم، در حدود ۷۰ عنوان است. فکر می‌کنم شهرزاد همه چیز دارد! به شکل فشرده و مفید موضوعاتی مثل عشق، سیاست، روابط خانوادگی، مرگ و... را دارد. این طور نیست که تنها یک قصه عاشقانه یا سیاسی را روایت کند، مجموعه‌ای از موضوعات و بحث‌های مختلف را در خودش دارد.

به عنوان مثال، شخصیتی مانند هاشم را در سریال می‌بینیم که بیرون از خانه با روحیه‌ای متفاوت ظاهر می‌شود، اما در خانه رفتار دیگری دارد؛ در این صورت می‌توانیم بعد‌های مختلف شخصیتی از افراد را ببینیم و همین نکات می‌تواند جذابیت‌هایی را برای مخاطب به وجود آورد.

ماجرا این است که در آثار تولید شده

شاید کمتر عشق را دیده‌ایم و

«شهرزاد» با روایت‌های عاشقانه آمد

و همه مخاطب‌ها را هیجان زده کرد!

شاید بتوانم بگویم سالیان سال است که ما عشق را در زندگی‌های خودمان خاک کرده‌ایم، تا جایی که اگر به کسی که دوستش داریم ابراز علاقه کنیم، عجیب به نظر می‌رسد. حتی اگر زن و شوهری را ببینیم که با یکدیگر عاشقانه صحبت می‌کنند در نظر ما تظاهر به نظر می‌رسد، به این دلیل که از عشق و مسائل عاطفی و برخی خصلت‌های عاطفی دور افتاده‌ایم. ما برخی از عواطف بشری را فراموش کرده‌ایم و حالا خوب است که با این فیلم‌ها فضا زیر و رو می‌شود و یادمان می‌آورد که در دل هر آدمی کورسویی از عشق را می‌توان دید. فکر می‌کنم آقای فتاحی در این زمینه رسالتی را در حد تمام و کمال انجام داده است.

شما به جز سریال «زمانه» در اثر دیگری

با آقای فتاحی همکار بودید؟

من ۲۰ سال است که با آقای فتاحی همکاری دارم! اولین سریالی که آقای فتاحی ساختند «همسایه‌ها» نام داشت و من در آن بازی می‌کردم. بعد از آن در دو تله‌تئاتر با هم همکار بودیم، سریال «زمانه» و مجموعه «شهرزاد» را هم در لیست قرار دهید.

کار کردن با آقای فتاحی چه طور است؟

از نظر اینکه ایشان خیلی دقیق و نکته‌سنج هستند، شاید کار کردن سخت به نظر برسد، اما در کار کردن باید حواست باشد. آقای فتاحی انسان خیلی شریفی است و این نکته خیلی مهمی است، چون اول باید آدم خیلی خوبی باشی، بعد کارگردان خوبی شوی.

شاید این طور به نظر بیاید

که ایشان کارگردان سخت‌گیری هستند اما این سختی را به جان می‌خری. البته آدم‌ها بعد از اینکه چند سال با یکدیگر کار می‌کنند، با هم هماهنگ می‌شوند و دیگر این سختگیری به چشم نمی‌آید.

ما برخی از عواطف بشری را فراموش کرده‌ایم و خوب است که با این فیلم‌ها و سریال‌ها، فضا زیر و رو شود

«مرضیه» در شهرزاد، مادر و همسری عاشق است که مثل پروانه دور خانواده‌اش می‌گردد، احساس می‌کنم مرضیه عشق و عاشقی خاصی با هاشم آقا دارد!

زنان قدیمی جنس متفاوتی از عشق را تجربه می‌کردند. برای آن‌ها مردشان خدای روی زمین است و حرف اول خانه را هم او می‌زند! عشق آن‌ها زمینی و خالص است و فکر می‌کنم عشقی که مرضیه به هاشم آقا دارد، عشقی نیست که آرام آرام پدید آمده باشد و از قبل همدیگر را می‌شناختند، اما می‌توان گفت همسر مرضیه هر فرد دیگری هم بود همین طوز پروانه‌وار دور او می‌چرخید. زن می‌خواهد بنای خانواده را حفظ کند و نمی‌خواهد خللی در روابط خانوادگی آن‌ها ایجاد شود.





■ اما اگر بخواهید حضورتان در این فضا را اولویت بندی کنید، کدام را انتخاب می کنید؟

علاقه قلبی من به تئاتر است، به دلیل نفس گرم مخاطب و زایشی که هر روز روی صحنه تئاتر اتفاق می افتد. با اینکه هر روز گریم، لباس و دیالوگ یکسانی داری، اما قطعاً هر روز اجرای یکسانی نخواهی داشت و چون زنده است، حس غریبی هم دارد و باید آن را زنده نگه داری تا ارتباط مخاطب هم از بین نرود. در حالی که در رادیو، سینما و تلویزیون اثر تولیدی است و دغدغه لحظه به لحظه خوب بودن دیگر در بازیگر نیست. البته منظورم این نیست که در این کارها بازی بد می شود، ولی به هر حال تئاتر هیجانی دارد که بقیه ندارند. من به عنوان یک بازیگر ترجیح می دهم همه این هنرها را تجربه کنم و نمی توانم خودم را صرفاً تئاتری یا رادیویی بدانم!

■ تصویری که به شکل غالب از شما در ذهن ماست، یک مادر و همسر دلسوز و فداکار است، شما برای هر کدام از این ها از یک پایه شخصیتی یکسان بهره گرفته اید؟

همه مادرهایی که نقش آن ها را بازی کردم، این پایه را دارند، اما وقتی آن ها را در کنار هم می گذاری جنس متفاوتی دارند. در واقع می توانم بگویم شبیه به مرضیه را تا به حال بازی نکرده ام.

زنان قدیمی جنس متفاوتی از عشق را تجربه می کردند. برای آن ها مردشان خدای روی زمین است و حرف اول خانه را هم او می زند!

■ خانم متخصص، علاوه بر بازیگری جلوی دوربین، مخاطبان رادیو

هم صدای شما را به کرات در

نمایش های رادیویی شنیده اند. اولویت

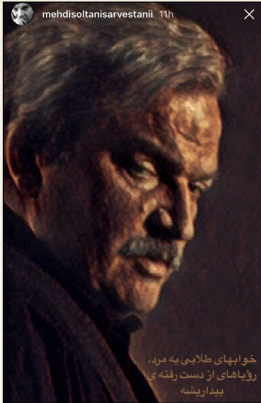
بین رادیو و تلویزیون با کدام است؟

من کارمند رادیو هستم و به همین دلیل بیشتر هم شنیده می شوم، مگر زمانی که سر فیلم و سریالی باشم که حضورم در رادیو کم رنگ تر می شود.

فضای مجازی



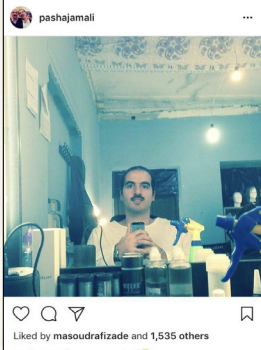
عکس محمد اسماعیلی از دلدادگی بلقیس به هاشم‌ها با استقبال قابل توجهی در فضای مجازی روبرو شد



استوری مهدی سلطانی: خواب های طلایی به مرد، رویاهای از دست رفته بیدار ریشه



مسعود رفیع زاده در کنار بزرگ دیوان سالار در پشت صحنه



اصغری در اتاق کریم شهرزاد



جمله ای که یک مخاطب برای حال ناخوش فرهاد انتخاب کرده است



روزبه قصیری، خبرنگار سینمایی: هر چوری حساب میکنی، روی دست شهرزاد هیچ سریالی در شبکه نمایش خانگی ساخته نشده و فعلاً نخواهد شد

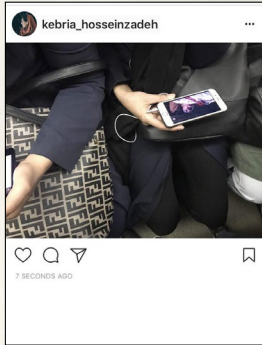




پاستیل در کنار شهرزاد: دو لذت رنگی رنگی
یک مخاطب



ماش جان! آقا قباد، عتیق این انگشتر خیلی وزن داره، هر دستش تاب
عتیق این انگشتر خیلی وزن داره، هر دستش تاب
تحملش رو نداره.



تماشای شهرزاد در مترو



داستان عشق...



یکی از علاقه‌مندان سریال که اعتراض کرده بود چرا
تصویرهایش در هفته‌نامه کار نمی‌شود



عکس زیبای مرغ آمین از سروش لطیفی



جونم برات بگه...

◀ پیام مستوفی

است، توانسته با جذابیت‌های خاص خود مخاطبان وسیعی را جلب کند، مخاطب به معنی مخاطب سختگیر امروز. تماشاگر عام کوی و بازار و برزن که تعریف درام و قصه با وجود او معنی پیدا می‌کند. حسن فتحی یک قصه‌گوی ماهر است. از تئاتر آمده، روانشناسی خوانده، درام بلد است، شعور مخاطب را می‌شناسد و می‌داند که باید و چطور به او احترام بگذارد. فتحی شناخت درستی از تاریخ و جامعه معاصر دارد و آشنایی توأمان او با موضوعات مخاطب‌پسند

به راستی چه رازی در مجموعه شهرزاد نهفته که آن را اینگونه موفق کرده است؟ در این یادداشت کوتاه تلاش می‌کنم علت این موفقیت را توضیح دهم. انسان معاصر امروز از انباشت فرهنگی عظیمی استفاده می‌کند که تعریف تازه‌ای از موقعیت او ارائه می‌دهد. موقعیتی که بسیار متفاوت است. در این میان، اهمیت رسانه‌های خصوصی، شبکه‌های اجتماعی و شبکه نمایش خانگی از جایگاه عمده‌ای برخوردار است. شبکه نمایش خانگی به خاطر گستردگی، دریافت آسان و طبعاً مخاطب زیاد، موقعیت ویژه‌ای کسب کرده است. در میان این مجموعه‌های گوناگون، «شهرزاد» که یک درام کلاسیک عاشقانه شرقی



طبقه بالادست جامعه است تا زیرزمین نمود خانه فرهاد و تا انتخاب جزیی ترین آکسسوار صحنه، با ساخت مجموعه «شهرزاد»، جایگاه و استاندارد مجموعه نمایش های خانگی چند پله بالاتر رفت، از مراسم افتتاحیه آغاز فیلمبرداری مجموعه تا نحوه توزیع مویرگی حرفه ای، تا جایزه بازیگرش برای پاسخ به یک سوال برای تحلیل نقش خودش و تا انتشار همین هفته نامه که تاکنون بی سابقه بوده است.

حسن فتحی همچنان حرف دارد، کار می کند، می سازد و می سازد و به یمن تماشاگران واقعی و دوستدارانش، در یادها و دل های ماند. او دین بزرگی بر فرهنگ و هنر این مملکت دارد. برای آقای فتحی احترام ویژه قائلیم و به پایش می ایستیم. هنرمندانی داریم که خودشان را برای رسیدن به مخاطب هر چه بیشتر هلاک می کنند و هنرمندانی هم نه. به هر حال «بر و بحر فراخ است و آدمی بسیار» هر هنر و هنرمندی مخاطب خودش را دارد و جای کسی هم تنگ نمی شود. اصیل آن است که بتواند به باور داشت خود وفادار بماند، که حسن فتحی

مانده است. بر می گردم به اول یادداشت.

به راستی چه رازی در مجموعه «شهرزاد» نهفته که آن را اینگونه موفق کرده؟ امیدوارم علت این موفقیت را توضیح داده باشم.

متناسب با فرهنگ شرقی و تماشاگر ایرانی، او و مجموعه آثارش را به موفقیت دوچندانی رسانده است. فتحی ساختمان مجموعه «شهرزاد» را از بنا به درستی ساخته است. او به آرامی و نه با زبان ملققی یا تاریخی آن دوران که با زبان روزمره و دنیای امروز برای مخاطبش قصه تعریف می کند، قصه ای که به دلیل لحن، نوع زبان و انتخاب درست بازیگران به راحتی به دل تماشاگرش می نشیند. درام «شهرزاد» بر اساس کهن الگوهای ادبیات کلاسیک فارسی شکل گرفته است. ادبیاتی دلنشین و «جونم برات بگه» که در همه دوران ها ارتباط درستی را با خواننده-تماشاگر پیدا کرده است.

«شهرزاد» همچون دیگر آثار سینما و تلویزیونی کارگردانش، با انتخاب صحیح عوامل صحنه و پشت صحنه، حرکات متفاوت دوربین، چیدمان دقیق میزانشن همراه با دیالوگ های منسجم و ساختار درست و بدون ادا، موفق به جذب مخاطب شده است. تصاویر «شهرزاد» بسیار خوش رنگ و دلچسب است. نه اینکه فقط خوش رنگ باشد، بلکه هر کدام از عناصر رنگی با دقت و هوشیاری

انتخاب شده است. از خانه بزرگ آقای مرحوم که





متهم اصلی: قباد، فرهاد یا شهرزاد؟



به اعتقاد بسیاری از کاربران، فصل دوم سریال «شهرزاد» وارد روزهای جذاب خود شده است؛ روزهایی که همه منتظر هستند تا ببینند چه سرنوشتی در انتظار شهرزاد، امید، قباد و در نهایت فرهاد است. ضمن آنکه این روزها سرنوشت عشق غبار گرفته بلقیس به هاشم و نجات شیرین از دارالمجانین توسط عبدلی هم وارد فاز جدیدی شده است.

آنچه در زیر می‌خوانید، تعدادی از کامنت‌هایی است که در صفحه رسمی اینستاگرام سریال درج شده است. همچنین در صفحه دوم، تعدادی از نظراتی که به اکانت (@ShahzadContact) در تلگرام ارسال شده، آمده است:

کامنت‌های اینستاگرام

متفاوت خواهد بود با قبادی که به چشم بچه مظلوم (به قول خودش) بهش نگاه می‌کنه. پس به نظر من خیلی طبیعیه که ناراحتی و درگیری بین شهرزاد و فرهاد خیلی چشمگیرتر و پررنگ‌تر به نظر برسه از اون زندگی قبلی، چون شهرزاد دیگه اون خودداری‌هایی رو که مقابل قباد داشت، نخواهد داشت و همین رابطه رو پیچیده‌تر و عمیق‌تر خواهد کرد که تا اینجا هم کرده. نکته دوم هم شکستن این کلیشه‌ست که چون مردی روشنفکره، پس اون حساسیت‌های مردهای

● یاسی بنیامینی: عشق قباد به شهرزاد خیلی بیشتر از عشقه فرهاد به شهرزاد، از دیالوگ‌ها کاملاً مشخصه. تازه بعد از از دواج شهرزاد با قباد، فرهاد رفت با آذر دوست شد. بعد از مرگ آذر تازه فیلیش یاد هندوستون افتاد و اومد دنباله شهرزاد!

● پریزاد ریاحی: اولاً به نظر من نکته اساسی انتظار شهرزاد از این دو نفره (فرهاد و قباد)، چون انتظاری که از فرهاد به عنوان یک طرف در یک رابطه همسو و برابر داره، خیلی

یک ماجرا با ابعاد مختلف و سرگذشت‌های اوان‌ها، یکی از دلایل جذابیت سریاله.

● پریا حمیدی: بازی آقای زمانی وارد روزهای خوش شده، در قسمت هشتم، سکانس زیرزمین را خیلی عالی بازی کرد.

● مینو: قسمت هشتم واقعا قشنگ درست شده بود و پر از سورپرایز بود! امیوارم شهرزاد از فرهاد جدا نشه؛ کسیو که از بچگی دوست داشت و عاشقش بود. بعد بره تو اون خونواده دیوان سالار که خودش هیچ چیشو قبول نداره.

● بی‌جی، ال: نمی‌دونم چرا بعضیا انتقاد از فرهاد بشون میاد، بازی مصطفی زمانپو بنداریم کنا؛ فرهاد به جنتلمنه که البته اشتباهاتیم داره قطعاً، ولی همینکه تو اون دوران مردسالار نقد برای زنش و مستقل بودنش و خواسته‌هاش احترام قائله خیلی خوبه. ولی انگار بعضی زنها تو همین دورانم ارزش همچین احترامیو نمی‌فهمن و بخاطر شهاب حسینی اونوری غش میکنن!

● رضا: هدف این سریال، نه شهرزاده، نه فرهاد و نه قباد، بلکه ابتدال و افتضاحی است که در یک خانواده اشرافی و زیاده‌طلب وجود داره. هر عضوی از این خانواده اشرافی به میزان خطایی که کرده داره تقاضای پس می‌دهد، بنابراین نه شیرین خوبه و نه قباد فساد اخلاقی این خانواده به زیبایی به تصویر کشیده شده است و آخرش هم نابودی کل این خانواده خواهد بود؛ همانطور که بزرگ آقا هم به مکافات عملش رسید.

● رها: قباد با طمع و بی‌منطقی که داره، همه چیزو بهم میریزه. مصلحت‌اندیشی هاشمو جدی نگرفت، گوششو داده دست نصرت که خودش آدم درست و حسابی نیست. این جلسه بزرگان فامیل واقعا مسخرس. قباد هنوز به بچه است که نشوندنش رو صندلی بزرگ خانواده، نه عاطفه درستی داره که اگه داشت شهرزاد رو درک میکرد و به شیرین جفا نمیکرد، نه منطقی داره که تصمیم درست بگیره. مثل بچه‌ها با زور و یا به عبارتی قایم شدن پشت دیگران، فقط می‌خواد به خواستش برسه. حالا آدم این وسط نابودیش و زندگی‌ها از هم پشاه هم مهم نیست. قباد حق نداره بزرگ آقا رو متهم به چیزی کنه، چون سرنوشت راهی پیش پاش گذاشت که ثابت کرد به موقعش از بزرگ آقا م خطرناک تره. واقعا تغییر شخصیت قباد از فصل یک قابل پیش‌بینی بود، هیچ ربطی هم به بود و نبود شهرزاد نداشت، چون قباد از اول نه خط فکر مشخصی داشت، نه میشد روش حساب باز کرد.

معمولی رو نباید داشته باشه؛ البته فارغ از اینکه بخوایم درباره درست و غلط بودن این پرخوردها قضاوت کنیم. یعنی در درون، این دو مرد در مواجهه با موارد اینچنینی تقریباً شبیه هم هستن.

● افشاریان: در قسمت‌های اول فصل اول، قباد اصلاً برام اهمیتی نداشت و حتی با به پای فرهاد درد کشیدم، ولی ما در قسمتی بعدی، قباد رو بیشتر و بیشتر دیدیم و باهاش زندگی کردیم. مگه شهرزاد عشق قباد رو دید؟ اونجا به شهرزاد حق میدین به قبادی که عاشقشه اما خودش بهش علاقه نداره پشت کنه ولی برای قباد این حق رو قائل نمیشین؟

● سارا: یه جور شده با اینکه از اکرم متنفر بودم، الان جلو قباد لدم براش میسوزه. آفرین به نویسنده. اینکه آدم‌ها توی موقعیت‌های مختلف به چی تبدیل میشن، اینکه بین خیر و شر وجودشون، کدوم پررنگ میشه، اینکه عشق با عشق چه فرقی داره، واقعا نکات ریز و مهمین.

● نگار: شهرزاد الان نه فقط در برابر امید، که در برابر فرهاد هم مسئوله.

نظرات ار سالی مخاطبان به تلگرام:

● مژگان: اگر نظام مردسالاری رو کنار نظام رعیت و مالکی گذشته بذاریم، نتیجه‌اش زلانی زخم خورده میشه... عمه بلقیس یکی از اون زناس. اون چهره‌ای که ما بزرگ آقا تو فصل اول دیدیم یه مرد شدیلازن ستیز بود. از همون دیالوگ‌های اولش تو فصل یک همه چی معلوم شد. کسی که نقد بی توجه به احساسات زنانه افراد اطرافشه که تو جواب اینکه شهرزاد بهش گفت: ینی من عروس شما بشم ولی قلمم پیش یکی دیگه باشه براتون مهم نیست؟ اون هم جواب داد که من به قلب تو چیکار دارم!... حکایت بلقیس همون حکایت شهرزاده ولی از نوع شکست خوردش... اینکه حاضر شده تو یه فداکاری بزرگ جون معشوقشو نجات بده و به چهره زشت و بی‌وفاز خودش بجا بذاره ینی عمه بلقیسم برای نجات جون معشوقش همون کاری رو کرده که شهرزاد کرد و حاضر شده پا بذاره تو تمام رویایی که انتظار داشته به دنیا واقعی بیانو همون قدر در فراموشیه عشقش ناموفق بوده که شهرزاد... البته میشه گفت شناس با قدرت با هر چیز دیگه‌ای با شهرزاد بار بوده که بتونه جلوی قدرتی بالا سربیش بایسته و اجازه نده براش تصمیم بگیرن ولی بلقیس با وجود همه اقتداری که داره، مغلوب نظام مردسالار شده که بنظرم این تضاد و تعریف



ناگفته هایی از یادگار علی حاتمی

شهرک سینمایی عشاق!

شهرک سینمایی «غزالی» که در جاده مخصوص کرج واقع شده است، از یادگارهای زنده باد علی حاتمی است که برای سریال «هزاردستان» ساخته شد و امروز بعد از گذشت نزدیک به چهار دهه، محل ثابتی برای ثبت تصاویر مربوط به تهران قدیم در فیلم‌ها و سریال‌های مختلف بوده است. «شهرزاد» چه در فصل اول و چه در فصل دوم در مقاطع مختلف مهمان این شهرک بوده است. هفته‌نامه شهرزاد در هشتمین شماره خود و به مناسبت سالروز تولد علی حاتمی در هفته گذشته (۲۳ مردادماه)، ناگفته‌هایی درباره این شهرک را از زبان **محمد مهدی دادگو** که مسئولیت ساخت آن را برعهده داشته، بازخوانی می‌کند:

بزرگ (انبارهای تجهیزات سازمان) در مدتی کوتاه در این زمین‌ها احداث شد. نکته مهم این است که مالک این زمین‌ها شخصی به نام «غزالی» بود و از همان زمان آنجا به همین نام در سازمان مرسوم شد. ساختمان‌های مختلف تلویزیون که در شهر پراکنده بود، هر کدام نزد کارکنان نام خاصی داشت. انبارهای فنی جاده کرج را هم برای سهولت «غزالی» نام نهاده بودند!

یعنی اساساً نام امام محمد غزالی شافعی، عالم دینی و فقیه عالیقدر تاریخ اسلام مدنظر نبود.

در بخش جنوبی این زمین‌ها، سوله‌ها و انبارهای فنی قرار داشت. بخش غربی را همان زمان سازمان به شرکت تعاونی مسکن کارکنانش واگذار کرد که آپارتمان بسازند. برای بخش شمالی و مرکزی هم برنامه‌هایی داشت که انقلاب وقوع یافت.

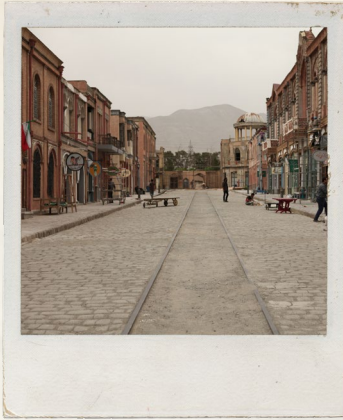
● نخست آن که من تا زنده‌ام شهرک سینمایی موجود را که به غلط «غزالی» می‌نامند به نام حاتمی می‌دانم و می‌گویم باز سال ۱۳۴۵ که «تلویزیون ملی» تأسیس شد و به تدریج گسترش یافت. تجهیز فنی از مهمترین اقدامات برنامه‌ای بود که در سال‌های ۱۳۴۹ تا پیوستن رادیو به تلویزیون (۱۳۵۰) و تشکیل سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران ادامه داشت و سپس در مقاطع بعدی توسعه یافت. انواع لوازم و دستگاه‌ها و تجهیزات وارد می‌شد و نگهداری و انبار کردن آن تا توزیع و نصب این تجهیزات نیاز به مکانی داشت. رضا قطبی رئیس وقت رادیو تلویزیون که به امر سریع گسترش مراکز رادیو تلویزیون استانی اهتمام می‌ورزید، دستور خرید زمین‌های بزرگی در بین راه تهران - کرج را داد. هنوز بزرگراه تهران - کرج احداث نشده بود. این زمین‌ها در غرب شرکت سایپا بود. چندین سوله



● از فروردین سال ۱۳۵۸ حاتمی در تلاطم انقلاب و مدیریت‌های متزلزل و در حال تغییر، راه خود را رفت. با سماجت تولید را در خیابان لاله‌زار در خانه قدیمی (خانه پیرنیا) آغاز کرد. می‌دانست در تغییر دائم مدیران و تصمیم‌گیران، فرصت مناسبی است که او کارش را انجام دهد. «جاده ابریشم» تنها پروژه سریال‌سازی بزرگ آن زمان بود!

انوار و بهشتی که آمدند، کار حاتمی بسامان شد. زمین‌های خالی غزالی جای مناسبی بود. حاتمی امان نداد. سازمان، برنامه‌ای برای آن زمین‌ها نداشت. مدیریت‌ها گرفتار آتنن روزمره بودند.





● تحقیقات را حتمی کرده بود. از روی عکس‌ها و مستندات تهیه شده توسط حاتمی «جانی کورانتا» در ایتالیا نقش‌ها و طرح‌ها و ماکت را کار کرده بود. زمین‌ها را گرفتیم. در یکی از انبارها، کارگاه را بنا کردیم. تولید دکور آغاز شد. آزمون و خطا بود. حاتمی لحظه‌ای درنگ نمی‌کرد. ولی اله خاکدان، بزرگ دکورسازان سینمایی کشور، وجیه‌اله فریبرزی (اوس کاظم) و اصغر رحمانی و... از انواع کارگران ساده تا کهنه نجاران و... لاله‌زار حاتمی، توپخانه حاتمی، عودلجان حاتمی و... جان می‌گرفت.

● قصه ساختن این سریال و شهرک حاتمی را در کتابی نوشته‌ام ولی هرگز فراموش نمی‌کنم که مدیری در سازمان زمانی به او گفت برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌شود دکوری‌تر ساخت، حاتمی جواب داده بود تهران قدیم او لاله‌زار و توپخانه و این بخش تهران را برای سینما، فقط یکبار می‌شود ساخت تا نه فقط من بلکه همکاران من و نسل آینده هم از آن بهره‌برند. در این شهر و این خیابان‌ها، تاریخ غریب این ملت اتفاق افتاده و چه عاشق‌ها که در همین خیابان‌ها گام زده‌اند. نسل بعدی فیلمساز، جان تازه‌ای به این مکان‌ها می‌دهد.

حاتمی این مجموعه را برای همه هنرمندان سینمایی دید و چه بجا بود که آن‌ها در هر جابه‌ویژه عنوان‌بندی آثارشان نام این شهرک سینمایی را «علی حاتمی» ذکر می‌کردند.



● من آن زمان مدیر ارزشیابی کمی و برآورد بر نامه‌ها بودم. در دو نشست حاتمی برنامه‌اش را تشریح کرد. علی پیشنهاد کرد که من با او همراه شوم. حرفش این بود که یک اداره‌کننده مسلط لازم دارد. کار هنری با او و امر مدیریت و تهیه‌کنندگی با من. تجربه چند ماه‌اش در فیلمبرداری خانه پیرنیا، او را خسته کرده بود. حاتمی خیلی زود انوار و بهشتی را راضی کرد که من مجری طرح سریال و مدیر ساخت شهرک باشم. کارمند سازمان بودم. پس قرارداد با حاتمی بسته شد. او عاشق بود. به هر قراردادی تن می‌داد تا اثرش را بیافریند.





فرهاد: حرف باید به وقتش بیاد شهر زاد، وقتش این بود قبل از اینکه ازت بپرسم، بهم می گفتی!



هاشم: خواب های طلایی به مرد رویاهای از دست رفته بیداری شه



قیاد: نبینم به وخ دم در آوردی! نبینم به وخ هوا بُرت داشته ها! این به چیز به بین من و تو! بفهمم کسی فهمیده، دودمانتو دود می کنما!!



قباد: به عنوان
بزرگ خانواده
دیوان سالار این
تنها خواسته منه
که باید انجام
بشه! این ناممکن
رو ممکن کنید
و شهرزاد رو به
آشپونه اصلیش
برگردونید.



بلقبیس: توی
جهان خیال
هیچ قدرتی
نمی تونه کسی
رو بر خلاف
میلش مجبور به
کاری کنه.



شاپور: باید این
پوسته قدیمی
رو ریخت دور،
دنیا عوض
شده، یه کمی
مدرن تر و
قشنگ تر و روبه
جلو شیم!





شهرزاد از نگاه عکاسان؛

عکس، پل ارتباطی با مخاطب

◀ سپیده حیدرآبادی

عکس را شاید بتوان مهمترین معرف یک فیلم یا سریال در نزد عموم جامعه دانست و «شهرزاد» نیز از این قاعده کلی، مستثنی نیست.

عکس‌های سریال «شهرزاد» چه در فصل اول و چه در فصل دوم و تا اینجا کار، طرفدارهای زیادی دارد. تقریباً روزی نیست که تصویر یا عکس نوشته‌ای از بازیگران چهره سریال در صفحات شخصی علاقمندان منتشر نشود. از این رو، در هشتمین شماره از هفته نامه شهرزاد، عکاسان سینما هستند که درباره سریال نظرات خود را بیان کرده‌اند:

مهدی حیدری



سریال شهرزاد یک درام خانوادگی است که پا از خانواده‌ها فراتر نهاده و در لایه‌های دیگر داستانی خود، موقعیت‌هایی را ایجاد می‌کند که اجتماع با خانواده در هم تنیده می‌شود. سریال وضعیت‌های نمایشی را ایجاد می‌کند که برای بیننده قابل فهم و باور است. شخصیت‌های سریال شهرزاد قوام یافته‌اند و ابعاد مختلف آن باعث می‌شود در باور بیننده بیشتر وارد شوند و بیننده بیشتر آن‌ها را باور کند. دکوپاژ و قاب بندی‌های کارگردانی توسط آقای حسن فتحی، موازی با ضرب آهنگ فیلمنامه است و سرعت و کندگی در ریتم کارگردانی به شدت به ریتم فیلمنامه وابسته است و شاید این خود قدمی دیگر در نفوذ داستان در بیننده باشد. رنگ‌بندی، نورپردازی و میزانشن در هر پلان بسیار دقیق صورت گرفته است و گرمای تصاویر از گرمای شخصیت‌ها نشأت می‌گیرد. در واقع کنتراست این موضوع با مضمون داستان که بسیار سرد و شکننده است، تضادی را ایجاد می‌کند که به شیوه موفق این سریال بیننده را درگیر می‌کند.

نیما آقاکرمی



سریال شهرزاد، مجموعه‌ای از اتفاقات خوب را مثل یک قصه و درام خوب، کارگردانی، دیالوگ‌های مناسب و بازی‌های عالی را در خودش جمع کرده و باید در کنار این‌ها به موسیقی این سریال اشاره کرد که موفقیت آن را دوچندان کرده است. فصل اول سریال بسیار محکم و خوب بود اما در فصل دوم کمی سردرگمی و دیده می‌شود. گرچه این فصل هنوز به پایان نرسیده است.

حافظ احمدی



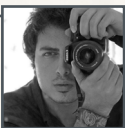
من به چند دلیل یکی از شهرزاد دوستان هستم. ابتدا رفاقتی که با عوامل سریال دارم، قصه جذاب و تاریخی، ساختار زیبا، استفاده از بازیگران مطرح و ستاره‌هایی که دارد، شسته و رفته بودن سریال، روان بودن و ساده بودن و... و دیگر اینکه از نادر سریال‌هایی است که ساختار و مسائل فنی آن بسیار حرفه‌ای است و همیشه احترام بیننده را نگه داشته است. در آخر اینکه همه‌ی پلان‌های سریال یک عکس زیباست.

سمیرا بختیاری



من از طرفدارهای شهرزاد هستم و به نظر من شهرزاد یک انقلاب عظیم در سریال‌سازی ایجاد کرد که هم مخاطب عام و هم مخاطب خاص را همراه خود کرده است. این سریال، سطح توقع بیننده را به خوبی ارتقا داد. شهرزاد توانست یک میزان سنجش برای انتخاب شود و روایت عاشقانه را در بستر عوامل سیاسی زمان خودش به خوبی پیش ببرد. امیدوارم در فصل دوم هم بتواند مخاطبش را با خود همراه کند.

علی حمیدنژاد



شهرزاد اعتماد از دست رفته مخاطبان را به سینمای خانگی برگرداند، زیرا مجموعه‌هایی نیمه کاره در این مدیوم ساخته و موجب بی‌اعتمادی در بین مخاطبان شده بود. شهرزاد با موفقیتی که در فصل اول کسب کرد توانست این اعتماد را برگرداند. شهرزاد فیلمنامه دقیق، درست و طراحی مهندسی شده دقیق و درام صحیحی داشت و در کنار شخصیت‌پردازی، کارگردانی خوبی داشت. همه عوامل در این مجموعه کارشان را به شکل صحیحی انجام دادند که این امر توسط کارگردان مدیریت شده است. فیلمنامه درست توانسته موفقیتی را کسب کند که قابل تحسین است. موفقیت شهرزاد نه تنها برای عوامل سریال بلکه برای عوامل سینما هم موثر بود و نشان داد که اگر اثری موفق باشد، همه مردم از آن به





خلاصه فصل اول را به همراه قسمت اول فصل دوم گرفتیم و دیدیم. آنقدر برایم جذاب بود که من را ترغیب کرد تا هر هفته، قسمت‌های جدید فصل دوم را تهیه کنم. به نظر من در فصل دوم نورپردازی، گریم و مسائل فنی کمی با عجله پرداخت شده است اما در مجموع به عوامل و گروه تولید آن خسته نباشید می‌گویم.

بهرنگ دزفولی زاده



یکی از عصری که از زمان عمومی شدن سینما با آن همراه بوده، هنر عکاسی است. مخاطبان سینما همیشه پیش از به تماشا نشستن یک اثر سینمایی عکس‌های آن‌را در سردر سینماها و یا در مجلات و نشریات سینمایی می‌بینند. در واقع آنچه موجب می‌شد تا فیلم به مخاطب معرفی شود و بیننده را ترغیب به دیدن فیلم می‌کند، عکس است که همیشه موجب شده تا عکاس فیلم از نظر اهمیت در بین عوامل، هم‌پرده فیلمبردار تلقی شود. به مرور با گسترش تلویزیون و سریال‌سازی، به خصوص در شبکه نمایش خانگی، مقوله عکس نیز به عنوان بخشی جداناپذیر از این محصولات قرار گرفت اما تجربه نشان داده که آن‌گونه که در سینما به عکس توجه می‌شود در سایر محصولات به خصوص سریال‌های تلویزیونی به آن توجه جدی نمی‌شود. در این‌گونه آثار عکس بیشتر جنبه اعلان و تبلیغات را داشته است اما هم‌زمان با بخش «شهرزاد» شاهد تغییر استفاده از عکس در سریال‌ها نیز شدیم. عکس‌های «شهرزاد» که تنها به عنوان بخش مهمی که

خوبی استقبال می‌کنند. ضمناً دلیل اینکه برخی فیلم‌ها با شکست مالی مواجه می‌شوند، این است که خود آنها فیلم‌های خوبی نبودند.

اینکه هر هفته مردم با اشتیاق منتظر قسمت بعدی هستند و با وجود امکان دانلود، هزینه می‌کنند و نشان از موفقیت اثر دارد.

در باره فصل دوم اظهار نظر کمی زود است اما ای کاش از تجربیات گذشته استفاده کنیم. معمولاً در ایران و در سینمای جهان وقتی اثری موفق می‌شود، تهیه‌کننده و کارگردان سراغ ساخت فصل بعدی می‌روند. باید توجه شود که وقتی استقبال خوبی از فصل اول یک مجموعه می‌شود، قطعاً آن اثر بسیار خوب بوده و زمانیکه همه موارد یک فیلم خوب است، باید فکر کرد که چکار کنیم تا سطح سلیقه مخاطب باز هم بالاتر رود تا موجب نشود در فصل دوم مخاطبان آن را پس بزند.

آرزوی موفقیت برای همه عوامل دارم و امیدوارم در فصل دوم هم همانند فصل اول موفقیت کسب کند.

حسام خلوصی



جانا چه گویم شرح فراغ است

مقوله اصلی سریال شهرزاد عشق است که حسن فتحي به خوبی از پس نمایش و جوه مختلف عشق برمی‌آید و در آثار قبلی‌اش مانند میوه ممنوعه، این موضوع را به خوبی نشان داده است.



است و جهان شمول است؛ چون در حقیقت عشق متعلق به انسان است.

حسن شجاعی



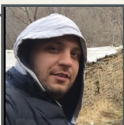
سریال شهرزاد یکی از استادان درتین سریال های تاریخ رسانه ای است. برای

اولین بار شاهد یک سریال بسیار حرفه ای و مطابق با شأن و شخصیت تماشاگر در عرصه سریال سازی هستیم. این تناسب نه تنها در تمام سریال بلکه در فیلمنامه، کارگردانی، بازیگری، طراحی صحنه، گریم، فیلمبرداری و صداپردازی وجود داد.

پرداختن به سیاست در سریال شهرزاد کاملا غیرمستقیم و در بستر داستان اتفاق می افتد. حسن فتحی نشان داده که علاقه اش به تاریخ موجب نمی شود که از درام کوتاه بیاورد و داستانش را به نفع بیان یک واقعیت تاریخی با سلیقه سیاسی خود تغییر دهد.

اوج هوشمندی فتحی در این است که توانسته از غنای تاریخی کشور برای روایت عشق این دغدغه همیشگی خود و والاترین گوهر انسانی استفاده کند. پرداخت شخصیت ها بی نقص است و همه کارکنرها قابل فهم و ملموس هستند؛ بدون شک از بازی بازیگران نیز نمی توان گذشت؛ بازی بی نظیر و درخشان استاد علی نصیریان در فصل اول، ترانه علیدوستی و بازی بی نظیر شهاب حسینی.

حسن هندی



شهرزاد برای من تصعید کیفیت صنعت سریال سازی در ایران است. فهم درام و

پیشبرد قصه با بازی هایی ماندگار، این مجموعه را به مثالی معتبر در امر ساخت سریال بدل کرده است. لذت تماشای آنچه شهرزاد است، من تماشاگر را به تحسین و دنبال وامی دارد. امید دارم در فصل جدید شهرزاد جای خالی بزرگ آقا به چشم نیاید، هر چند که طعم بازی استاد نصیریان همیشه با شهرزاد عجین است.

می تواند سریال و شخصیت های آن را معرفی کند، بلکه بسیاری از این عکس ها در منازل، پل تاپ ها، گوشی های همراه و صفحات شخصی علاقمندان به این سریال نیز دیده شده است که با دیدن آن ها، لذت تماشای سریال «شهرزاد» را یادآوری می کند. «شهرزاد» مجموعه بسیار موفقی است که عکاسی آن هم مانند سایر عوامل به خوبی درخشیده است.

در اکثر فیلم ها و سریال ها، هزینه زیادی برای لوکیشن ها داده می شود درحالیکه به مقوله عکس آنطور که باید و شاید توجه نمی شود، در حالی که در «شهرزاد» اینگونه نیست و قطعا تبلیغات خوبی داشته که تا این اندازه موفق شده است. در این راستا نیز می بینیم که در هر قسمت، کاور جدید با عکسی متفاوت رونمایی می شود که به نظرم همین موضوع یکی از دلایل ترغیب مخاطب به دیدن هر قسمت است.

محمد مهدی دلخواسته



شاید وقت آن باشد که از خودمان پرسیم از یک فیلم

یا سریال چه می خواهیم؟! یا وجود اینکه هر ثانیه از عمر ما می تواند زمینه ساز موفقیت یا چیزهای دیگری باشد، آیا ساعت هایی که جلوی تلویزیون یا در سینماها یا... صرف دیدن فیلمی می کنیم، ارزشش را دارد؟ از نظر من شهرزاد یک شاهکار بسیار قوی در صنعت سریال سازی است و می توان اقرار کرد، شهرت واقعا در خور آن بوده است. این سریال از آنجا توانست به این موفقیت برسد که با داستان زیبایی که دارد، ذهن بیننده را برای مدتی به سمت عشق سوق دهد. سمت و سویی که فقط درای فکر کردن در آن می تواند هر انسانی را به سختی درگیر خود سازد. شهرزاد به عنوان یکی از بهترین سریال های عاشقانه تاکنون به خوبی توانسته است ضدقهرمان های عشقی را در نهاد مخاطبش نه نشین کند و باعث امتیاز دادن او به چنین عشقی نافرجامی بشود. فرهاد و شهرزاد محق هستند یا خیر؟ حتی خود قباد هم برای این پرسش جوابی ندارد و این نقطه عطف فیلم است. برای بهتر دیدن این فیلم تنها یک بار باید عشق را تجربه کرد. شهرزاد کاملا ایرانی نیست، او متعلق به دهکده جهانی



به روال مرسوم هفته‌نامه شهرزاد، بخشی از هر شماره به نظرات اهالی رسانه اختصاص دارد. در شماره هشتم، خبرنگاران سیاسی نظرات خود را درباره سریال «شهرزاد» بیان کردند:

شهرزادهای زمان ما...

آن پرداخته شده بود. خانواده بزرگ آقا همان خان مظفر علی حاتمی بر همان مبنای نظریه توطئه‌ای است که از دست داشتن افراد صاحب قدرت و ثروت بر تحولات سیاسی دوران قاجار و پهلوی اشاره دارد. فرهاد و شهرزاد نماینده جامعه روشنفکری دورانی هستند که سرکوبشان راه دموکراسی در ایران را سد کرد. رسیدن این دو به هم در فصل دوم این سریال را از ابعاد نامدین سیاسی آن دور کرده و جنبه‌های درام فیلم را از جحیت داده است.

علاوه بر این، پخش شهرزاد از شبکه خانگی فرصت‌ها و تهدیدهایی را به همراه دارد. فرصت فرار از تیغ سانسور صدا و سیما به همان اندازه مهم است که تهدید بار مالی پروژه. دالوهای غیر قانونی می‌توانند هزینه‌های مجموعه را بالا برده و همین مساله بر کیفیت کار و در نتیجه تغییر جهت آن به سمت سریالی عامه پسند و سطحی موثر باشد.

سیده سارا ریاضی (ایلنا)



داستان سریال شهرزاد در مرداد ۳۲ خورشیدی در تهران آغاز شد.

حوادثی که در نهایت به سقوط دولت محمد مصدق و دستگیری و مجازات تعدادی از یاران و طرفدارانش از جمله دکتر فاطمی ختم می‌شود. هر چند رویدادهای تاریخی ایران نقشی محوری در این سریال ندارد، اما شکل‌گیری این درام عاشقانه در بستری از تحولات سیاسی ایران، جذابیت آن را دوچندان کرده است.

۲۸ مرداد نقطه عطف این سریال عاشقانه است. نقطه‌ای که در تاریخ معاصر ایران همچنان سیاه مانده و با انتشار اسناد تاریخی جدید وزارت خارجه آمریکا از دخالت‌های دولت وقت این کشور در کودتای ۲۸ مرداد، داغ آن تازه شده است. کودتای ۲۸ مرداد، ضربه‌ای محکم بر پیکر جامعه‌ای نواخته بود که در آغاز راه بود، راه دشوار استقلال، آزادی و استقرار حاکمیت مردم و در این راه پر پیچ و خه به روزهای سپید چشم‌دوخته و دل‌بسته بود.

فضای سنگین و مه‌آلود اجتماعی و سیاسی ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد یأس، سرخوردگی و پژمردگی میان مردم و به‌ویژه روشنفکران جامعه را رقم زد. حادثه‌ای که این سریال با جدایی فرهاد از شهرزاد به نمادی از پایان روشنفکری و از دواج مصلحتی شهرزاد با قیاد به نمادی از تن دادن به دستگاه سرکوب صاحب قدرت و مکنت آن را به نمایش گذاشت.

چند نکته بدیع در شهرزاد، این سریال را از سایر درام‌های عاشقانه متمایز ساخته است. نکته اول پرداختن به خانواده‌های ذی‌نفوذ در برهه‌های تاریخ ایران که پیش‌تر در سریال «هزارستان» علی حاتمی به بهترین شکل به

هادی محمدی (روزنامه خراسان)



از دیدگاه نگارنده به عنوان یک دانشجوی علوم سیاسی و کسی که حرفه خبری او نیز در ساحت سیاست قدم می‌زند، سریال شهرزاد بر خلاف سریال‌های تاریخی دیگر این عصر همچون معمای شاه، بیش از آن که در کاخ‌ها و تودرتوی روابط قدرت بگردد، نگاه جالبی به زندگی مردم عادی در عصر پهلوی دوم دارد، نگاهی که در کمتر سریال و قصه سینمایی تا به حال دیده شده است.

شهرزاد با گرم و دکور عالی خود به راحتی حس و حال دهه ۴۰ را برای کسانی که در آن دوران زیست می‌کردند، یا جوانانی که تنها عکس‌ها و روایت‌هایی از آن زمان



را بین شهرزاد و فرهاد روایت می‌کند که با مشقت‌های فراوان به هم می‌رسند و از طرف دیگر از اجبار برای ازدواج دو کاراکنری حرف می‌زند که عشقی میان‌شان نیست. نکته اصلی در این سریال نمایش علل موفقیت برقراری روابط عاطفی و عدم ناکامی در آن‌هاست؛ روابطی که اگر از سر آگاهی و شناخت آغاز شوند به رشد افراد می‌انجامد، اما اگر از سر عدم شناخت باشد یا اجبار، نه تنها راه را به جایی نمی‌برد که به اندوهی بی‌انتهای تبدیل خواهد شد؛ اندوهی که ممکن است در دراز مدت فرد را به معضلی برای جامعه تبدیل کند. اوج سریال هم آنجاست که پول وارد معرکه می‌شود و روابط به واسطه آن تعریف می‌شود؛ موضوعی که امروز بسیار مشاهده می‌کنیم و افسوس می‌خوریم که چرا بزرگ آقاها به واسطه قدرت برآمده از ثروت‌شان چنان می‌کنند یا مردم که همه چیزشان از دست برود.

باید به حسن فتحی و البته تیمش خسته نباشید گفت که در گرماگرم فراموشی‌های زندگی، ما را به یاد فرشته و شیطان درونمان انداختند تا یادمان نرود همه ما یک شهرزاد، یک قباد و یک بزرگ آقای درون داریم.

شنیدمانده ایجاد می‌کند. شهرزاد توانسته حتی حرف و نگاه سیاسی خود نسبت به آن دوران و به ویژه تحولات ملی شدن صنعت نفت را به خوبی و بدون پررنگ کردن بی‌رویه به تماشاگر بشناساند و روایت خود از فضای سیاسی زمانش را به نمایش گذارد.

شهرزاد در عرصه سریال‌سازی و روایت‌گری تاریخی، عرصه‌ای جدید باز کرده که می‌تواند به الگویی مناسب بدل گردد. الگویی که ضمن نشان دادن تلخی‌ها و شیرینی‌های دوران پهلوی دوم، آگاهی بخشی مناسبی را نیز داشته باشد. عدم وجود شخصیت‌های سیاه و سفید و به جای آن سرشار بودن سریال از شخصیت‌های خاکستری از دیگر نقاط قوت این مجموعه است که با واقعیت هماهنگی خوبی داشته و باورپذیری داستان را برای مخاطب بیش از دیگر داستان‌ها نموده است.

در مجموع شهرزاد و گیرایی داستان‌ش که به دلایل گفته شده در بالا ارتباط دارند، توانسته با وجود تجربیات ناموفق دیگر سریال‌های شبکه خانگی، به خوبی به درون منازل راه یافته و حتی دومین فصل خود را نیز با قدرت و استقبال مناسبی جلو ببرد. درخششی که در فضای هجوم رسانه‌های خارجی که امنیت اخلاقی خانواده‌ها را تهدید می‌کنند، به عنوان یک فرصت مناسب فرهنگی می‌تواند اثرات مثبت بسیاری داشته باشد.



محمد رضا نورمحمدیان (ایسنا)

شهرزاد مجموعه‌ای کامل است؛ چرا که هم بزرگ آقا دارد، هم قباد؛ هم شیرین دارد، هم فرهاد و هم شهرزاد دارد، هم هاشم آقا. گرچه در فصل دوم این مجموعه بزرگ آقا حضور ندارد، اما در همه سکانس‌های این سریال، می‌توان جای خالی او را احساس کرد؛ امروز از نوکر و کلفت گرفته تا قباد و شهرزاد و خاندان دیوان‌سالار، همه نبود بزرگ آقای دیوان‌سالار را با خون و دل احساس می‌کنند. این سریال برای من مفهوم بزرگ بودن را تداعی می‌کند؛ مفهومی که این روزها شاید به فراموشی سپرده شده باشد. بزرگ آقا شاکله‌ی دیوان‌سالارها بود. گرچه او فردی مستبد، خود رأی، مغرور و متکبر بود، اما به خوبی می‌توانست امور را مدیریت کند؛ او دختر و داماد و عروس خود را به خوبی مدیریت می‌کرد و می‌دانست که با زیر دستانش چگونه رفتار کند. هر خانواده‌ای نیاز به یک بزرگ دارد؛ بزرگ، بزرگ است، هر چند که او مستبد و خود رأی باشد. باید همواره قدر دان آن‌ها باشیم و بپوشان راجع نهمیم.



محمد امین میرزایی (فارس)

قست اول سریال را که دیدم به دلم نشست، هم فرمش را دوست داشتم هم محتوایش را. سریال را تا انتها دنبال کردم تا به انتهایش رسید؛ فارغ از تعارفات سریال را خریدم تا هم به فرهنگ کشورم خیانت نکنم و هم از اثری فاخر حمایت کرده باشم. شهرزاد در نگاه اول تم خانواده و زندگی ایرانی دارد و می‌خواهد زندگی امروز ما را با سفر به گذشته‌های نه چندان دور روایت کند؛ خانواده‌هایی از جنس خانواده‌های امروز خودمان، اما در کنشش به روابطی می‌پردازد که امروز برخی از همین خانواده‌های ایرانی درگیرش شده‌اند؛ روابطی که در آن پول قدرت می‌آورد و نگاه قدرت است که حرف اول را می‌زند. در این سریال روابط مختلف موجود در یک جامعه با بومی‌سازی جامعه ایرانی به تصویر کشیده است، روابطی که از یک طرف عشقی پاک و ریشه‌دار



قاب آینده

قسمت نهم



شهرزاد از خانه علیپور می‌توید در دوراهی انتخاب



فرهاد (مصطفی زینلی) عشقش را با هم از دست می‌دهد؟



شیرین (زینب‌اثر ازیدلی) کار دار است؟



▶ برای بی تدبیری قباد
هاشم جان (مهدی سلطانی) در جستجو برای پیدا کردن راهی



▶ قدرت؟
عبدلی (امیر حسین فتحی) چه در سردار؟ عشق یا سودای



▶ ایفای کند
شهرزاد در قسمت نهم نقشه بزرگ را برای الهه داستان سرال





تصویر گستر پاسارگاد
Tasvir Gostar Pasargad Co.

Lotiis
PLAY
LotusPlay.ir

فصل ۳۰
شهرزاد

عرضه قسمت نهم: دوشنبه ۳۰ مرداد ماه

www.shahrazadseries.com